

# نقشه راه مرجعیت علمی در علوم پزشکی

## مفاهیم پایه و سطوح مختلف مرجعیت

نویسندگان: دکتر علی اکبر حقدوست<sup>۱</sup> - دکتر سمیه نوری حکمت<sup>۲</sup> - دکتر رضا دهنویه<sup>۳\*</sup> - آتوسا پورشیخعلی<sup>۴</sup>

### مقدمه

برخی مرجعیت علمی را واژه‌ای می‌دانند که مصداق آن در دوران‌های مختلف تغییر کرده است. در این دیدگاه، سه دوره تاریخی علم کهن یا فلاسفه یونان، دوران تمدن اسلامی و دوره علوم جدید غربی برای مرجعیت علمی معرفی می‌شود. مرجعیت علمی در ایران فراز و فرود زیادی را در طول تاریخ تجربه کرده که قله آن را می‌توان دوران شکوفایی علمی ایران و ظهور تمدن اسلامی دانست (۱).

این روزها کلمه مرجعیت علمی، عنوانی رایج در گفتمان دانشگاهی و علمی کشور شده است و به صورت متواتر در اسناد بالادستی بدان اشاره شده است. به صورت رسمی و گسترده، مرجعیت علمی اولین بار در سال ۱۳۸۴ توسط مقام معظم رهبری در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق مطرح و موجب شکل‌گیری گفتمانی جدید در حوزه علم و دانش کشور گردید (۲، ۳). بعد از طرح این

۱. استاد اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات مدلسازی در سلامت، پژوهشکده آینده پژوهی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

۲. استادیار مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، مرکز تحقیقات مدیریت ارائه خدمات سلامت، پژوهشکده آینده پژوهی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

۳. دانشیار مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، مرکز تحقیقات مدیریت ارائه خدمات سلامت، پژوهشکده آینده پژوهی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

۴. دانشجوی دکتری پژوهشی آینده پژوهی در سلامت، مرکز تحقیقات مدیریت ارائه خدمات سلامت، پژوهشکده آینده پژوهی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

\* نویسنده مسئول: دانشگاه علوم پزشکی کرمان، پژوهشکده آینده پژوهی در سلامت، میدان هفت باغ، کرمان، ایران. ایمیل: rdehnavi@gmail.com

تلفن: ۰۹۱۲۳۴۰۵۱۸۷

گفتمان در کشور، در اسناد بالادستی کشور نیز توجه ویژه‌ای بدان شد. در نقشه جامع علمی سلامت، حوزه‌های راهبردی توسعه علمی آتی نظام سلامت، معرفی شدند. در این نقشه، رشته‌های راهبردی به سه گروه رشته‌های زیرساخت، بقا و کمال تقسیم شدند. حوزه زیرساخت شامل رشته‌هایی است که بستر و چارچوب عملکردی نظام سلامت را شکل می‌دهند. رشته‌های بقا، ضامن بقای نظام ارائه خدمت سلامت و در نتیجه سلامت جامعه می‌باشند، حوزه کمال شامل رشته‌هایی است که به سرعت در حال جابجایی مرزهای دانش بوده و در آینده‌ای نه چندان دور، حوزه‌های رقابت علمی بین جوامع را شکل خواهند داد (۴). نقشه جامع علمی سلامت با رویکرد تحلیل پارتو تنظیم شده است؛ در این رویکرد، اعتقاد بر آن است که ۸۰٪ از دستاوردها، حاصل ۲۰٪ از تلاش‌ها هستند؛ لذا باید رشته‌های راهبردی شناسایی شده و تقویت و رصد شوند تا از حرکت در مسیر مرجعیت علمی اطمینان حاصل گردد (۵).

همچنین در سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در بخش سلامت در بند ۱۴، بر تحول راهبردی پژوهش علوم پزشکی با رویکرد نظام نوآوری و برنامه‌ریزی برای دستیابی به مرجعیت علمی در علوم، فنون و ارائه خدمات پزشکی و تبدیل شدن ایران به قطب پزشکی منطقه آسیای جنوب غربی و جهان اسلام، تاکید شده است. در بسته‌های تحول آموزش علوم پزشکی کشور نیز در بسته اول، بر طراحی نظام رصد حرکت در مسیر مرجعیت علمی در آموزش علوم پزشکی و تدوین سند آینده‌نگاری و نقشه راه تحقق مرجعیت در آموزش علوم پزشکی در افق چشم انداز تاکید شده است (۶).

خوشبختانه در سال‌های اخیر بحث‌های خوبی در زمینه مرجعیت علمی در کشور صورت گرفته و تحلیل‌های قابل قبولی منتشر شده است ولی هنوز در مورد بعضی از اصول مانند تعریف دقیق، مبانی نظری و نقاط قوت و مزیت‌های واقعی کشور و زیرساخت تشکیلاتی و مدیریتی ضروری برای دستیابی به مرجعیت علمی، اجماع وجود ندارد. نوشتار حاضر به تحلیل سطوح مرجعیت علمی و برخی مبانی فلسفی آن و در نهایت مسیر پیش رو برای کسب جایگاه مرجعیت علمی در کشور، پرداخته است.

## تعریف مرجعیت علمی

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، علم یکی از سه پایه اصلی اقتدار در جهان امروز است. براساس سخنان ایشان، مرجعیت علمی به معنای ایجاد بنای مستقل علمی است، به نحوی که دنیا از نظرات ما استفاده کند (۷). با وجود تواتر استفاده از اصطلاح مرجعیت علمی، هنوز در مورد تعریف دقیق از مرجعیت، اختلاف نظر وجود دارد. مرجعیت علمی به معنای "قطب علمی" و "محور علمی" شدن و کسب جایگاه ممتاز جهانی در حوزه‌های علم و دانش می‌باشد. به عبارت دیگر مرجعیت علمی به "منشاء اثر بودن" یا "اثرگذاری علمی" کشور اشاره دارد (۷). مرجعیت علمی به نوعی پیشتازی در عرصه علم و برتری علمی اشاره دارد که باعث می‌شود جویندگان علم به جایگاهی که رتبه مرجعیت علمی را داراست، مراجعه کنند (۸). مرجعیت علمی یعنی مراجعه جهانی به منابع علمی تولید شده توسط دانشمندان و متخصصان و شناسایی آنها به عنوان صاحب نظریه و سبک علمی.

در یک طرف طیف و از یک نگاه، مرجعیت علمی به عنوان پایگاه و منظرگاه علمی شدن در سطح جهان است و در سوی دیگر طیف، داشتن افرادی در سطح علمی بسیار بالا، مطرح و شناخته شده در سطح ملی و بین‌المللی که البته می‌تواند داری مقالاتی پراستناد می‌باشند، و البته حالت‌های بینابینی زیادی را نیز می‌توان تعریف کرد. اگرچه این سطوح می‌توانند هم‌راستا باشند و تضادی بین آنها نیست ولی در

برنامه‌ریزی‌ها تاکید بر هر سطح، ضرورت‌های خاص خود را می‌طلبند که در این نوشتار بدان پرداخته خواهد شد. در جدول زیر ابتدا کلیات این سطوح بیان و سپس هر سطح به صورت مبسوط‌تر توضیح داده شده است.

جدول ۱: سطوح مختلف مرجعیت علمی، تعریف، ابعاد و استانداردها

سطح مرجعیت	تعریف	دامنه موضوعی	دامنه زمانی	مصادیق سنجش پیشرفت
سیادت علمی	پیش‌ران بودن و تاثیرگذار بودن در مسیر توسعه علمی جامعه بشری به صورت گسترده	با کمترین محدودیت موضوعی و بصورت باز در حوزه‌های مختلف و از بحث‌های فلسفی تا موضوعات کاربردی	بدون محدودیت زمانی برای افق‌های دور که در صورت فراهم بودن شرایط و برنامه-ریزی حداقل سه دهه وقت برای باروری نیاز دارد	حرکت عمیق از مبانی تئوریک تا کاربردها و اثرات ملموس در جامعه الهام‌بخش که وجه تمایز قابل ملاحظه با سایر نحله‌های علمی جهان را معرفی نماید. حرکتی گسترده و شبکه‌ای که تمامی رشته‌ها و شاخه‌های علمی و مراکز و متفکرین بشریت را در برگیرد. در این سطح هم‌گرایی علوم، توجه به علوم پایه هم‌سنگ علوم کاربردی و توجه به مفاهیم عمیق علوم انسانی، مباحث فلسفی، هنر و احساسات در کنار علوم تجربی مد نظر می‌باشد.
مرجعیت موضوعی	سرآمدی و توانمندی خاص در یک موضوع و حیطه	حرکت سریع و شتابان در یک موضوع خاص به شکلی که سبک جدید و حرفی متفاوت در آن شاخه علمی ارایه گردد.	برای چند نسل و حداقل دو دهه کار زیربنایی برای رسیدن به شروع سرآمدی	تئوری پردازی در یک موضوع علمی داشتن شبکه قوی در آن موضوع که مراکز مختلف کشور و دانشمندان کشور و حتی بین‌الملل در آن قالب کار پویا انجام دهند. تنظیم و تولید منابع علمی، بطوری که در سطح بین‌المللی به عنوان رفرنس در آن موضوع مطرح گردند.
مرجعیت موسسه‌ای	سرآمدی بعضی دانشگاه-ها و مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی در یک موضوع خاص	پیشتازی مراکز آکادمیکی که در رتبه‌بندی‌های جهانی دیده شده و به عنوان مراکز معتبر علمی معرفی شوند.	حداقل یک دهه کار منسجم و هدفمند	تبیین نقشه راهی که دانشگاه‌ها یا مرکز تحقیقاتی و پژوهشگاهی موفق در عرصه آموزش، پژوهش و یا تکنولوژی بتوانند رشد و به بالندگی برسند؛ مرجعی برای حضور افراد طالب علم در سطح جهان شوند و اعضای هیئت علمی و دانشجویانی بین‌المللی داشته‌باشند که عمدتاً به دلیل جاذبه علمی وارد شوند. در رتبه‌بندی‌های رایج موسسه‌ای در جهان، در جایگاهی مطلوب قرار گیرد.
مرجعیت پیش‌کسوتان	پرورش و بالندگی دانشمندانی برتر و سرآمد در عرصه بین‌الملل	افرادی خبره و برتر در رشته خود که در مجامع بین‌المللی جایگاه والا داشته باشند. این سرآمدی می‌تواند آموزشی، پژوهشی و یا مدیریت و یا درمانی باشد.	همت والای افراد توانمند طی چند دهه کار فردی و با حمایت‌های مراکز دانشگاهی	افرادی که با شاخص‌های رایج علمی مانند H-Index جایگاه خاص دارند. البته باید دقت شود که هر فرد با سایتش بسیار بالا مرجع نیست و در مقابل ممکن است فردی با سایتش پایین ولی با توانمندی بسیار خاص می‌تواند مرجع باشد. حضور در جایگاه‌های خاص مانند سردبیری و یا هیئت تحریریه مجلات علمی معتبر، سخنرانان ویژه و مدعو در کنگره‌های بین‌المللی برتر. البته ممکن است فردی در یک رشته تخصصی مرجع باشد و از سطح کشور و جهان برای درمان به ایشان مراجعه نمایند. مورد مشورت قرار گرفتن در موضوع خاص تخصصی در عرصه بین‌المللی و ملی

## سطح اول: سیادت علمی

این سطح مصداق زمانی است که نه در یک موضوع کوچک، بلکه در سطح بسیار وسیع و گسترده از سراسر جهان برای یافتن پاسخ به سوالات خود به جایی مراجعه نمایند. در این سطح، بالندگی علمی قید زمان و مکان و موضوع را در می‌نوردد و زبان رایج علمی جهان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. برتر علمی بودن محدود به یک نفر و یک مرکز و یک موضوع نیست و شبکه‌ای از افراد فرهیخته با یکدیگر تمدن و نهضت علمی بزرگی را شکل می‌دهند که برای نسل‌ها باقی می‌ماند. چنین مرجعیت علمی قطعاً به یک برنامه بلندمدت چنددهه‌ای نیاز دارد و می‌بایست همراه با فراهم آوردن تمامی زیرساخت‌های لازم، در ابعاد مختلف و هدفمند، اقدامات اساسی صورت گیرد که اهم این موارد به شرح زیر است:

۱. اصلاح فرهنگی و تقویت بعضی از اصول مانند حس خودباوری و خودشکوفایی و داشتن این دیدگاه که ما می‌توانیم اگر بخواهیم. همچنین تقویت فرهنگ کارگروهی برای بالا بردن سطح همگرایی‌ها و هم‌افزایی‌ها.
۲. تدوین و ترسیم یک چشم‌انداز زیبا، جامع، مترقی و متمایز از شعارهای حاکم در سطح جهان، به شکلی که بتواند زیربنای یک نهضت عمیق علمی را فراهم نماید.
۳. داشتن راهبردهایی مطلوب که زمینه دستیابی به آرمان‌های متعالی ترسیم شده را فراهم کند و زیرساخت‌های لازم را برای اوج‌گیری فراهم آورد. پرواضح است که دستیابی به جایگاه خاص علمی در دنیای امروز که رقابت‌ها سنگین و پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک چشم‌گیر است حرکتی سخت و جهادی مقدس است که با صرف شعار و چند حرکت نمایشی محقق نمی‌شود؛ لذا نوشتن راهبردهایی که اصول کلی حرکت را مشخص می‌کند و راه را برای رسیدن به مقصود متعالی هموار می‌کند، از ضروریات غیرقابل اجتناب است.
۴. پرداختن به مبانی تئوریک و بحث‌های زیربنایی برای متمایز نمودن این نهضت از سایر نحله‌های علمی موجود و تبیین ارزش‌ها، جهت‌دهی به فعالیت‌ها و کوشش برای رسیدن به زیربناهای فکری لازم که به استحکام و قوام سایر حرکت عملی منجر خواهد شد. در این مسیر توجه به هم‌گرایی علوم، جاذبه بالا به جذب افراد با توانمندی برتر و تخصص‌های منحصر به فرد؛ پرداختن به مفاهیم علوم پایه، علوم انسانی و بحث‌های جانبی مانند هنر موثر، احساسات و رفتارهای انسانی به خوبی متبلور است.
۵. تدوین یک نقشه راه کلان که وظیفه همه ذی‌نفعان و بازیگران را مشخص، حدود اختیارات را تعیین، شیوه تعاملات را معین و زمینه رصد فعالیت‌ها را قدم به قدم روشن می‌کند و باعث می‌شود جامعه علمی کشور و مردم نیز در زندگی روزمره خود به تدریج با ثمرات و تاثیرات حرکت به سمت مرجعیت علمی آشنا گردند.

بر اساس توضیحات فوق، به نظر می‌رسد که صحبت‌های مقام معظم رهبری و اسناد بالادستی در کشور این سطح از مرجعیت علمی را تبیین و تعیین نموده‌اند و اگر سایر سطوح نیز مورد اشاره قرار گرفته‌است صرفاً برای هموار نمودن راه و مسیر برای رسیدن به این سطح از رشد و توسعه علمی می‌باشد.

## سطح دوم: مرجعیت موضوعی

در این سطح از مرجعیت، رشد و بالندگی در یک حوزه خاص مطرح است و تلاش می‌شود که در آن موضوع نقطه رفرنس بودن در سطح جهان مطرح شود. بسیاری از کشورهای توسعه یافته جهان نیز برای رشد و بالندگی علمی خود بدین شیوه عمل می‌کنند و با بررسی نقاط قوت و همچنین فرصت‌سنجی در عرصه بین‌الملل، موضوعاتی را تعیین و بر روی آنها کار نمایند تا بتوانند با سرعت و شانس بالاتری به نقطه اوج برسند و از مواهب و دستاوردهای آن برای بالا بردن رفاه جامعه استفاده کنند. مروری بر جهت‌گیری رشد در کشورهایی مانند کره جنوبی، مالزی، هلند، فنلاند و بسیاری از کشورهای دیگر به خوبی پیروی از مدل‌هایی را روشن می‌نماید که با این هدف آغاز و به نتیجه رسیده‌اند. البته باید به این نکته توجه کرد که در عمده این مدل‌ها از بحث‌های فلسفی و مبانی نظری به سرعت عبور نموده و به سمت فناوری و تولید ثروت حاصل از عمل، توجه بیشتری مبذول شده تا جامعه سریعتر از مواهب این رشد بهره‌مند شود. لذا در عمده این حرکت‌ها، مبانی نظری و تعاریف مربوطه را با اقتباس از تعاریف رایج علم در جهان غرب به عاریت گرفته و در این موضوعات متوقف نشده‌اند و لذا از یک طرف نمودهای بیرونی رشد و توسعه علم و فناوری را سریعتر تجربه کرده‌اند و از طرف دیگر طبیعی است که به صورت عمیق صاحب سبک نشده و محدودیت‌های علم و دنیای علمی فعلی را به صورت پیش‌فرض پذیرفته‌اند و قبول کرده‌اند که نتیجه عملی کارشان ارتقا رفاه است ولی اینکه آیا به سعادت‌مندی نوع بشر کمک کند یا خیر، پاسخ واضحی ندارند.

## سطح سوم: مرجعیت موسسه‌ای

در این نوع مرجعیت، مراکز تحقیقاتی، مطالعاتی، دانشگاه‌ها و حتی حوزه‌های علمی می‌توانند هدفمند برنامه‌ریزی نموده و در جهت سرآمدی و یافتن جایگاه علمی برتر اقدام کنند. این حرکت رو به رشد اگرچه بسیار مغتنم است و ارزش والایی دارد ولی محدود به یک فضا و جغرافیا است و توان گسترش کشوری و حتی جهانی آن محدود است. به عنوان مثال چندین دانشگاه بزرگ کشور تلاش می‌کنند که در بین ۵۰۰ دانشگاه برتر جهان قرار بگیرند و یا موسسه‌ای مانند رویان وابسته به جهاد دانشگاهی در زمینه سلول‌های بنیانی اقدامات بسیار ارزشمندی انجام داده و حتی برای ارائه خدمات خاص در سطح کشور بسیار موثر بوده است. اما موسسه رویان در سطح دوم مرجعیت قرار نمی‌گیرد چراکه به صورت شبکه‌ای گسترده و درکل ساختارهای علمی کشور گسترش نیافته و محدود به یک موسسه باقی مانده است. این به معنای نادیده گرفتن تاثیرات غیرمستقیم فعالیت‌های این موسسه بر روی سایر مراکز کشوری در زمینه سلول‌های بنیادین و ناباروری و سایر رشته‌های مرتبط نیست و قطعاً سایر مراکز و دانشگاه‌ها نیز به تحرک بیشتر در این خصوص وادار شده‌اند؛ اما جنس آن از جنس حرکت به سمت مرجعیت در سطح دوم متفاوت است. در سطح دوم مراکز و دانشگاه‌ها حداکثر هم‌افزایی را با برنامه‌ریزی دارند و به جای رقابت عمدتاً همکاری روح غالب کار است که در بستری مدون کارها را پیگیری می‌کنند و به مباحثی مانند فرصت‌سازی، آمایش سرزمینی، همکاری‌های بین بخشی و هم‌گرایی علوم توجه خاص می‌شود. به هر شکل به نظر می‌رسد در مقام عمل در بهترین وجه اقدامات موفق کشور در این سطح محدود بوده و اگرچه

صحبت‌هایی از تبیین موضوعات خاص در نقشه علمی کشور شده اما در اجرا امکان فراهم نمودن بستر کار برای تشکیل یک شبکه هم‌افزا در موضوعات برتر فراهم نبوده‌است.

### سطح چهارم: مرجعیت پیش‌کسوتان

بدین مفهوم که ساختارها و تشکیلات کمک نمایند تا افراد بیشتری از برترین‌های کشور به سطوح عالی علمی بین‌المللی برسند و به عنوان افرادی سرآمد معرفی شوند. این سرآمدی به واقع فردی است و مانند نقاط بسیار درخشان برای چند سال و یا دهه در دفتر علمی جهان نامشان دیده‌می‌شود و هیچ تضمینی بر بقای آن نام و نشان وجود ندارد و به عبارتی این معرفیت و اشتهار عمدتاً فردی بوده و اگر ایشان از یک دانشگاه به دانشگاه دیگری منتقل شوند نام و نشان را نیز با خود می‌برند و همچنین در زمینه جانشین‌پروری نیز ممکن است خیلی موفق عمل نشود. زمانی که این سطح از مرجعیت هدف برنامه‌ریزی قرار گیرد، تعداد بسیار محدودی با شاخص‌های رایج سنجش جایگاه علمی مانند میزان ارجاعات از سایرین گوی سبقت را می‌ربایند و شکاف گسترده‌ای بین ایشان و سایر بدنه علمی کشور دیده‌می‌شود. این افراد خبره، خودکار بوده و با تکیه بر توان علمی خود رشد می‌کنند و رشته کاری خود را بر می‌گزینند و نقش ایشان در جهت‌دهی توسعه علمی بسیار بارزتر از تاثیرات بالا به پایین و برنامه‌های بالادستی است.

البته باید توجه داشت که افراد مرجع و پیش‌کسوت محدود به افراد با زمینه تحقیقات گسترده نیستند و چه بسا افرادی بتوانند مقالات متعدد و سایتش‌های بالا در کارنامه خود بیافرینند اما نقش مرجع را نداشته‌باشند. لذا همبستگی مرجعیت با سایتش یک همبستگی قوی نیست. همچنین ممکن است فردی در زمینه درمانی صاحب سبک باشد و در سطح کشور و یا جهان بسیار شناخته‌شده‌باشند ولی میزان تحقیقات و مقالات قابل ملاحظه‌ای نداشته‌باشند و با این شرایط به واقع مرجع باشند. این نقش مرجعیت همچنین می‌تواند در حوزه آموزش و یا مدیریت نیز متبلور شود.

نکته مهم دیگر آن است که به دلیل فرد محور بودن این نوع مرجعیت، ممکن است گسست‌های بین رشته‌ای بارزتر شده و امکان نزدیک کردن بحث‌های تئوریک و مبانی فلسفی به بحث‌های کاربردی و در نتیجه استفاده از مواهب توسعه علمی برای خلق ثروت و بالا بردن رفاه، محدود است.

با این توضیحات به نظر می‌رسد که برداشت عمده مدیران اجرایی و دانشمندان و خبرگان علمی کشور از مرجعیت علمی در مقام عمل، در این سطح محدود شده و حتی شاخص‌های سنجش موفقیت نیز با هدف تهییج بدنه علمی کشور در این سطح، تعیین می‌شوند. اگرچه شروع هر اقدام عملی باید با عبور از سطح چهارم و افزایش کمی و کیفی نخبگان و افراد سرآمد همراه باشد ولی محدود نمودن برنامه‌ها در این سطح و بیان موفقیت کشور در مسیر مرجعیت علمی با توجه صرف به این شاخص‌ها نیز خود یک ترمز خواهد بود؛ به خصوص اینکه برای سرعت یافتن دستیابی به مرجعیت در این سطح، لاجرم ممکن است تصمیماتی اخذ گردد که برای رسیدن به سطوح بالاتر نه تنها مفید نخواهند بود بلکه کار را دشوارتر می‌کنند. به عنوان مثال با غلبه کمیت بر کیفیت، امکان و یا حتی تشویق غیرمستقیم برای عبور از مرزهای اخلاق در کارهای علمی نمود خواهد یافت و فردگرایی و کاهش انگیزه کارگروهی مانع حرکت جدی در سطح وسیع و بین‌رشته‌ای، خواهد شد.

## رابطه بین مبانی فلسفه و مرجعیت علمی

باید دقت نمود که مرجعیت علمی به خصوص در سطح اول و دوم بدون داشتن باورهای عمیق فلسفی و پرداختن به موضوعات عمیق بنیادی، ممکن نیست. لازم است دقیقاً مشخص نمود که علم چیست، و فاصله آن با دانش چگونه است؟ مرز دانش واقعی و اصیل و دانش غیر واقع کجا است؟ هدف از توسعه علمی چیست؟ آیا بالا بردن رفاه و خلق ثروت غایت اصلی و نهایی مرجعیت علمی است یا به جز این موارد دستاورد دیگری نیز مد نظر است؟

به عنوان مثال فرض نماییم که سعادت‌مندی نوع بشر در بالا رفتن درآمد و ثروت تعریف و رشد علمی را معطوف به این تعریف بدانیم، در این حالت پرداختن به سلامت معنوی حتی با تعریف فعلی مورد قبول جهان (نه با تعریف برخاسته از منابع وحی و معارف ادیان الهی) اگر ضرورت هم داشته‌باشد به تبع اصالت جسم جایگاه می‌یابد و در پلکان ارزشی مقام نخست را ندارد. در این نگاه، انسان برای بالا بردن طول عمر خود و کاهش ناتوانی‌های جسمی و روانی و یافتن آرامش بیشتر در جهت لذت بردن بیشتر از حیات مادی خود، نیاز به یک آرامش درونی دارد که از طریق باور به یک ماورا طبیعت حاصل می‌شود و لذا بدان اهتمام می‌ورزد. اما اگر به هر دلیل تضادی بین این بعد سلامت و سلامت جسم حاصل گردد، وزن سلامت جسم بیشتر خواهد بود و به دلیل سلامت معنوی، حاضر به هزینه کردن از سلامت جسم نیست. در این نگاه نیمه‌شب بیدار شدن برای عبادت و یا محدود کردن مصرف غذا به اسم روزه‌داری، به سادگی توجیه ندارد مگر اینکه ثابت شود بر سلامت جسم و روان تاثیر مثبت دارد. مثال فوق نشان می‌دهد که غایت علم، تلاش برای سعادت‌مندی نوع بشر است و لذا تعریف ما از سعادت‌مندی و ترجمان این تعریف به سطوح عملی و کاربردی بسیار مهم است.

آسیب جدی که در حال حاضر در این موضوع در کل جهان و اختصاصاً در سطح کشور مشاهده می‌شود گسست قابل ملاحظه بین بحث‌های عمیق دینی و علمی در سطح جامعه است. اگرچه در هر دو حوزه، خبرگان زیادی فعالیت و دلسوزانه برای ایجاد این پیوند تلاش می‌کنند ولی هنوز این فاصله نه تنها پر نشده بلکه مسیر مدون و نقشه راه جامعی برای پر نمودن شکاف تبیین نشده‌است. در حال حاضر هم در حوزه‌های علمیه، دانشمندان برجسته‌ای حضور دارند که با علوم روز آشنا می‌باشند و هم در دانشگاه‌ها افراد بسیار دین‌مدار و متدینی حضور دارند که از معارف عالی دینی بهره‌مند هستند و هم مدیران دلسوز و دردآشنایی حضور دارند که برای ایجاد یک پیوند عمیق و اصیل بین دو حوزه معارف و عملیات تلاش می‌کنند ولی متأسفانه این پیوند عمیق و گسترده هنوز شکل نگرفته‌است. آسیب‌شناسی این گسست موضوعی بسیار مهم است ولی از حوصله این نوشتار خارج می‌باشد و جداگانه باید بدان پرداخت و راهکارهایی را جست.

با وجود این نقص، باید اذعان نمود که تنها و تنها مسیری که امکان مرجعیت علمی در سطح اول و دوم را برای ما فراهم می‌آورد همین اتصال است در غیر این صورت برای مرجعیت در سطح اول و دوم باید یکتایی خاص و فرصت ممتازی را داشت تا بتوان بر آن اساس کمبود مزیت‌های نسبی خود را در مقابل کشورهای مترقی و توسعه‌یافته در نوردید و پیشی گرفت؛ در غیر این صورت امکان ارایه حرف نو بسیار سخت و یا حتی غیرممکن است و حداکثر برد کاری، حرکت سریع در همان جاده‌ای است که دیگران



پیموده‌اند و در نتیجه میوه و ثمره آن نیز همانی است که سایرین قبل از ما چشیده‌اند. این به معنای کم ارزش نمودن ثمره علم و دانش در عصر جدید نیست و بدون شک این دستاوردها به بهتر شدن زندگی بشر کمک نموده‌است و ما نیز بدون این مواهب قطعاً زندگی سخت‌تر و محدودتری را تجربه می‌کنیم که مطلوب هیچ کس نیست. اما صحبت این است که شاید بتوان بر اساس باورهای اصیل دینی جاده‌ای جدید در توسعه و بالندگی علمی طرح نمود و سطح سعادت‌مندی بشر را ارتقا درجه داد و از زوایه دیگری به موضوعات نگریست و رفاه از جنس دیگری را به بشریت عرضه داشت. این مسیر ممتازی است که منشا مرجعیت علمی پیشنهادی می‌تواند باشد.

البته مختصات چنین مرجعیتی نیز باید متمایز از مرجعیت فعلی علمی باشد که عوارض خاص آن به خوبی مشهود است؛ بالا رفتن تفاوتها و تبعیض‌ها، بردگی نوع بشر به شکل مدرن در خدمت اقتصادی که بی‌رحمانه فقط سود خود را می‌جوید و بدین دلیل ارزش‌های نوع بشر مانند خانه و خانواده، احترام به اخلاق در عرصه بین‌الملل و محترم شمردن حقوق اولیه مانند صلح و آرامش به سادگی فروخته می‌شود، همگی از ثمرات برگزیدن مسیر اشتباه در توسعه علمی می‌باشد. اگرچه حرکت‌های نوع‌دوستانه نیز به شدت در سطح جهان رشد نموده و نقطه‌امیدی است ولی هرگز توان خنثی نمودن اثرات بسیار خطرناک بمب‌ها و جنگ‌افزارها و همچنین افزایش اختلافات طبقاتی در درون و بین کشورها را ندارد؛ و این نگاه خاص توسعه علمی باعث شده‌است حتی در مرفه‌ترین کشورهای جهان نیز میزان خودکشی و افسردگی و اضطراب کاهش نیابد. بیان ما این است که مرجعیت خاصی که برخاسته از تعالیم وحی است می‌تواند رشد و سعادت‌مندی را به بشر ارزانی نماید که ضمن حفظ دستاوردهای شگرف موجود، مواهبی متمایز را نیز ارایه نماید که این عوارض را بکاهد.

با این تعریف مرجعیت علمی اگر دنباله‌روی صرف از تئوری‌های غرب باشد، در نهایت آنچه را که به وجود می‌آورد شکل بومی شده همان رشد و توسعه است که وابستگی را می‌کاهد، ولی سعادت‌مندی عمیق متاسفانه حاصل نخواهد شد. در مفاهیم آینده‌پژوهی از این موضوع به عنوان استفاده یک کشور از "آینده استفاده شده"<sup>5</sup> سایر کشورها نام برده می‌شود. به عبارتی دیگر، بسیاری از کشورهای درحال توسعه، بدون درک واقعی از شرایط، نیازها و تصویر مطلوب خود، بدنبال آینده‌ای هستند که غرب بر اساس مبانی ارزشی خود دنبال نموده و حتی ممکن است در زمان حال، بسیاری از این کشورهای غربی به این نتیجه رسیده باشند که بخش قابل توجه‌ای از تصویر آنها از آینده، چندان درست نیز نبوده است (۹).

البته این دیدگاه محدودیت‌هایی نیز دارد و شاید مهمترین آنها، شعارگونه به نظر رسیدن است. به عبارتی به سادگی نمی‌توان دلایل کاربردی ارایه نمود که خبرگان و سرآمدان جامعه را قانع کند که از طریق نزدیک نمودن مفاهیم عمیق دینی می‌توان به سطحی از مرجعیت رسید که سعادت جامع بشر را تضمین نماید و شاید مهمترین اشکال آن این باشد که هنوز مدلی هر چند کوچک و مینیماتوری ارایه نشده و ملموس نیست و لذا کار را سخت و حرکت را کند می‌کند. اگرچه در سال‌های اخیر، چندین گروه و مجموعه متولی تولید نقشه راهی برای این موضوع شده و مستنداتی نیز تولید شده‌است و نهضت‌ها، شعارها، همایش‌ها و کتاب‌های متعدد

---

<sup>5</sup> . Used Future

شکل گرفته‌اند؛ اما هنوز هیچ یک از این اقدامات منجر به نتایج ملموس اجتماعی و جهت‌دهی به نهضت مرجعیت علمی با قرائتی متفاوت نشده‌است. همین عزم و جدیت مبارک است و باید مبنایی برای کارهای بعدی باشد ولی دلیل عمده این حرکت کند و بطئی، دشواری موضوع و اختلاف نظرات جدی در مبنای کار است که باعث شده زیرساخت‌های قوی فکری شکل نگیرد. البته در کنار دشواری مذکور، عوامل دیگری نیز در کاهش سرعت موثر بوده‌اند و از آن جمله می‌توان به ضعف در کارگروهی، گرفتاری زیاد مدیران با امور روزمره، ناپایداری مدیریت‌ها، چندپارگی و تعدد بسیار زیاد مراکز تصمیم‌گیری و عدم ارتباط ساختارمند بین آنها، واگرایی نسبی بین بعضی از گروه‌های فعال در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها و نداشتن نقشه راه منسجم و فازبندی شده بر اساس واقعیت‌ها و نه ایده‌آل‌ها، نام برد.

## اما چه باید کرد؟

با توجه به این توضیحات، به نظر می‌رسد که در چند جبهه و به صورت موازی ولی هماهنگ باید اقداماتی ریشه‌ای شکل گیرد که به صورت مختصر در ادامه شرح داده می‌شود و در نوشتارهای بعدی سعی خواهد شد که هر یک از موارد، مبسوط‌تر واکاوی گردند. البته لازم است این موضوعات به صورت گسترده تبدیل به سوالاتی شود که متفکرین و متخصصین کشور برای پاسخ دقیق به آنها ترغیب و تهییج شوند.

۱. **گفتمان‌سازی و جریان‌سازی فکری در بین فرهیختگان جامعه:** لازم است تا افراد خبره و متخصص و صاحب‌نظر با دیدگاه‌های مختلف و از منظرهای متفاوت در خصوص مرجعیت علمی حساس شده، بحث نموده و پیشنهادات خود را در خصوص اقداماتی که می‌بایست صورت گیرد و وظایف اعضای هیئت علمی، پژوهشگران، کارآفرینان، صنعت‌گران، مدیران و حتی مردم بیان نمایند. این گفتمان‌سازی خود ظرافت‌هایی دارد که باید عمیقاً واکاوی شوند تا بهترین مسیر مشخص گردد.
۲. **آسیب‌شناسی دقیق اقدامات انجام شده در سال‌های اخیر:** کارهای متعددی در خصوص مرجعیت علمی در کشور صورت گرفته که تا حدودی موثر بوده و یافته‌ها و خروجی‌های محدودی داشته‌اند. نگاهی بیرونی و نقدی منصفانه بر این اقدامات می‌تواند روشن نماید که چه باید‌ها و نیاید‌هایی برای ادامه کار مدنظر قرار گیرد و برای کاهش آسیب‌ها چه باید کرد؟
۳. **نگاشت نهادی مرجعیت علمی در کشور:** متأسفانه موازی‌کاری‌ها و عدم انسجام در ساختار مدیریت موضوع باعث شده‌است که زنجیره تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت و پایش به خوبی عملیاتی نشود. شناخت زمینه‌های اصطکاک و یافتن راهبردهایی برای کاهش این آسیب‌ها نیز از اولویت‌های بالا می‌تواند در نظر گرفته شود. نگاشت نهادی کمک می‌نماید که وظایف تمامی سازمان‌ها و نهادهای مسئول در حوزه مرجعیت علمی روشن شود و با این نقشه راه، هماهنگی حداکثری بین ذی‌نفعان فراهم و موازی‌کاری‌ها به حداقل برسد.

۴. نگاه به آینده، به روز رسانی مفاهیم مرجعیت و استفاده از تجربه سایر کشورها: نیاز هست تا مفاهیم مرتبط با مرجعیت علمی مرتباً به روز رسانی شوند. با توجه به اینکه مرجعیت علمی، در مقایسه با سایر کشورهای دنیا و جوامع علمی تعریف شده است، نیاز داریم تا در به روز رسانی مفاهیم ساختاری و کارکردی مرتبط با مرجعیت علمی، تجارب سایر کشورها، تحولات بین المللی و روندهای موثر بر آینده آن را نیز در ترسیم نقشه حرکت در نظر بگیریم. به ویژه نقش کشورها و مرزبندی های جغرافیایی در توسعه علمی بین المللی در حال تغییر است.

۵. شناسایی ارزش ها و راهبردهای مناسب و منطبق بر قوانین بالادستی: این مهم که در واقع تداوم راهکارهای موجود ولی با قوت و نظم بیشتر خواهد بود از اقدامات بسیار اساسی است که خود نیاز به اجرای یک پروژه نظامند دارد و لازم است قبل از هر اقدامی، مسیری مناسب برای آن در نظر گرفته شود.

۶. تنظیم نقشه راه مرجعیت علمی: تنظیم رهنگاشتی که هدف غایی در مرجعیت علمی را برای دهه های آتی کشور تعیین و گام های رسیدن به آن هدف و زیرساخت های لازم را مشخص کند، ضرورتی است.

۷. تقویت ماموریت گرایی و رصد وضعیت حرکت: در سالهای اخیر، سیاست های نظام آموزش علوم پزشکی به سمت توسعه ماموریت محور حرکت کرده است. در این رویکرد، سعی بر آن است که با شناسایی ظرفیت های موجود در هر یک از مناطق آمایشی و دانشگاه های علوم پزشکی، ماموریت هایی برای توسعه دانش و در نهایت دستیابی به مرجعیت علمی، برای آنها تعریف گردد (۱۰). بدین منظور دسترسی به شواهد به روز و دقیق در مورد پتانسیل های موجود در هر دانشگاه علوم پزشکی و نیز نحوه توزیع گروه های مرجع در رشته های مختلف علوم پزشکی در کشور و محوریت دادن به آنها برای شبکه سازی و توسعه دانش در حوزه دارای مرجعیت، می تواند بستر اطلاعاتی مناسبی برای تصمیم گیری تخصیص بهتر ماموریت ها، فراهم سازد (۱۱). تحلیل مزیت رقابتی گروه های آموزشی پیشرو در دانشگاه ها و تعریف مناسب نقش ها در قطب های علمی و دانشگاه های متولی ماموریت های ملی از ضرورت های حرکت مناسب در راستای تقویت مرجعیت علمی می باشد. البته در این مسیر متاسفانه مشکلاتی در زمینه توزیع بودجه و منابع بر مبنای نقشه ای که بتواند عدالت علمی را نیز در کشور تضمین نماید؛ وجود دارد. به دلیل ساختار و مدل معیوب تصمیم گیری ها و به خصوص در تخصیص بودجه ها، ارتباط بین دریافت منابع با حرکت منسجم و منطبق بر نقشه ترسیمی قوی نیست و موازی کاری های نهادها و مراکز مختلف تصمیم گیر، این نقطه ضعف را تشدید می کند.

#### فهرست منابع

1. Goodarzi G, Roudi K. Interpretation of scientific authority for educational institutions by applying grounded theory. Science and technology policy 2012;4(2):15

2. Afshar M, Kalantari S, Sangago A, Joybari L. Reviving the Scientific Authority's Approach in Iran: The Viewpoints of Graduate Students at Golestan University of Medical Sciences. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*. 2012;2(2).
3. Latifi A. Extracting and Prioritizing the Strategies for Achieving Scientific Authority of Iran by Using Performance-Measurement Analysis (IPA) *Strategic Quarterly*. 2018;27(86).
4. Dehnavieh R, Haghdoost A, Noori Hekmat S, Bamir M, Masoud A, Poursheikhali A et al . Evaluation of the Trend of Qualitative and Quantitative Growth of Scientific Products in Prioritized Health Fields during 2010-2017 Based on Scientometric Indicators . *irje*. 2019; 14 :93-102
5. Policy making council of Ministry of Health and Medical Education. *Health Scientific Road Map*. Tehran.2002. [In Persian].
6. Pourabbasi, A., Akbari, H., Akhvan, A. A., Haghdoost, A. A., Kheiry, Z., Dehnavieh, R., Rahimi, H., Noori Hekmat, S., ... Larijani, B. Analysis of Iran's National Medical Education Evolution and Innovation Plan using the Michelle and Scott's model of policymaking. *J Adv Med Educ Prof*. 2019;7(1):20-26.
7. Dehnavieh R, Rafiee N. Production of science and scientific authority, quantity or quality? *Strides in development of medical education*. 2016;13(6).
8. Taban M. Identifying the Components of Scientific Authority in Iranian Higher Education with the Foundation Data Approach. *Quarterly epistemological studies at Islamic University* 2016;20 (2):13.
9. Inayatullah S. "Six pillars: futures thinking for transforming", *Foresight*, 2008, Vol. 10 Issue: 1, pp.4-21, <https://doi.org/10.1108/14636680810855991>
10. Pourabbasi A, al e. Packages for reform and innovation in medical education in Islamic Republic of Iran; A conceptual framework. *Tebo Tazkie*. 2017;1(26):6.
11. Poorolajal J. The World's Scientific Authority and Health-Related Challenges. *Journal of research in health sciences*. 2017;17 (2)